

پیشگفتار

کمونیسم و «حزب کمونیست کارگری»

برخی از جوانان سوسیالیست انقلابی سوال کرده اند که تفاوت «سوسیالیست های انقلابی» با «حزب کمونیست کارگری» در چیست؟ و چرا سوسیالیست های انقلابی به این حزب نمی پیوندند تا جبهه کمونیستی و ضدسرمایه داری میان کارگران و جوانان کمونیست تقویت گردد؟

این سوال بسیار به جایی است. برای توضیح این جدایی سیاسی و تشکیلاتی باید به مفهوم اساسی از مارکسیزم بازگشت. لنین زمانی گفت که: «مارکسیزم قدرتمند است؛ زیرا واقعیت دارد». به سخن دیگر واقعیت اینست که حل ریشه ای ناهنجاری ها؛ بحران ها، نابسامانی در جامعه سرمایه داری تنها توسط مارکسیزم قابل بررسی و حل است. مارکسیزم به مثابه سلاح نظری و تئوریک طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان؛ به توضیح جامعه سرمایه داری پرداخته و راه حل واقعی را برای میلیون ها تن از زحمتکشان سراسر جهان ارائه می دهد.

در محور این واقعیت مسئله قدرت دولتی نهفته است. مارکسیزم بر این اعتقاد استوار است که تا زمانی که طبقه کارگر به کسب قدرت سیاسی نایل نیاید؛ مسایل و انحرافات جامعه بورژوایی کماکان، همانند پیش، ادامه خواهد یافت. «اصلاحات» یا «رفرم» تنها پاسخ های موقتی و تزینی برای حل مشکلات جامعه است؛ و نه راه حل

اساسی. کسب قدرت دولتی هم می باید توسط پرولتاریا و نهادهای متشکل و دمکراتیک آن، شوراهای کارگری، صورت پذیرد و نه احزاب خود- ساخته «کمونیستی» و یا شخصیت های «معروف» سیاسی و یا چهره های رادیو تلویزیونی و اینترنتی!

از اینرو در محور مارکسیزم انقلابی مسئله کسب قدرت سیاسی و تشکیل دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا؛ نهفته است. گرایش ها و احزاب با هر پسوندی (کمونیست، کارگری؛ انقلابی و غیره) که این اساس بنیادین مارکسیزم را از برنامه و تبلیغات خود حذف کرده و عملاً آن را رها کرده، در صف جبهه مارکسیزم انقلابی و در نتیجه در جبهه طبقه کارگر قرار نمی گیرند. گرایش هایی که این نظریات بنیادین را به عنوان نظریات «کهن» معرفی می کنند؛ گرچه امروز در جبهه «اپوزیسیون چپ» قرار گرفته؛ اما در نهایت با سرمایه داری همسویی کرده و به طبقه کارگر پشت خواهند کرد.

«حزب کمونیست کارگری» همانند بسیاری از گرایش های ظاهراً «کمونیست»ی و در واقع مماشات جو؛ اساس انقلاب سوسیالیستی و تسخیر قدرت توسط کارگران و تشکیل دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را از برنامه و اهداف خود حذف کرده است. این حزب همانند بسیاری از احزاب «خرد بورژوا» (در کردار) و «رادیکال» (در گفتار) اساس فعالیت خود را بر محور فعالیت های دمکراتیک و ضد استبدادی سازمان داده و حزب خود را جایگزین طبقه کارگر کرده و به جای کارگران و به مثابه قیم شان؛ خواهان تسخیر قدرت سیاسی شده است! حرکت ها پرجنجال و خالی از محتوای این حزب با در دست داشتن امکانات مالی سرشار و استفاده از رادیو و تلویزیون ها؛ چنین اهدافی را دنبال می کند. این حزب نقش محوری کارگران پیشرو را نادیده می گیرد و از آنها به عنوان "کارگران از رمق افتاده" که نیاز به ناجی دارند؛ نام می برد. در اینجا صرفاً به دو نمونه اخیر از شیوه «دخالگری» این حزب در تجمعات کارگری اول ماه مه ۱۳۸۳ اشاره می شود.

در مراسم گلگشت به مناسبت برگزاری اول ماه مه که بیش از ۱۲۰۰ کارگر و خانواد هایشان در حال برگزاری مراسم بودند گزارش شده که: "...در حالی که در ساعت ۱۴/۴۵ دقیقه در حالی که مراسم در حال برگزاری بود دو تن از افراد گروه فشار موسوم به حزب کمونیست کارگری با در دست داشتن یک نایلون سبز رنگ وارد جمعیت شده و کاغذی را که ظاهراً قطعنامه ای بدون امضا بود، بدون هماهنگی با مسئولین برگزاری مراسم و بدون آنکه از قبل در جمع حضور داشته و یا کوچکترین نقش و ارتباطی با برگزار کنندگان مراسم داشته باشند، در بین جمعیت حرکت کرده و آن را در جیب افراد قرار دادند، پس از پنج دقیقه با یک دستگاه پیکان محل را ترک نمودند. این عمل آنان مورد اعتراض جمعی از شرکت کنندگان و مسئولین مراسم واقع گردید. " (جمعی از کارگران شرکت کننده در مراسم خور جا ده چالوس ۸۳/۲/۱۵).

در مراسم اول ماه مه در تهران، جاده مخصوص کرج که بیش از ۳۰۰ نفر کارگر شرکت داشتند؛ گزارش داده شد که: "..... لازم به یادآوری است که در پایان مراسم عده ای فرصت طلب از حزب کمونیست کارگری با به آشوب کشیدن سالن قصد برهم زدن مراسم را داشتند که با اعتراض برگزار کنندگان و حضار روبرو شدند. (گزارش اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ۱۲ - اردیبهشت ۱۳۸۳). این سناریوهایی است که بارها در تجمعات خارج از کشور نیز از سوی این حزب تکرار شده است. (مشتمل نمونه خروار است).

این حزب واقعیات مبارزات طبقاتی را منعکس نکرده و از اینرو با مارکسیزم بیگانه است و نفوذی در میان کارگران پیشرو کمونیست ندارد. فعالیت اصلی این حزب علیه «مذهب» و «سکس آزاد» در خدمت جلب گرایش های خرده بورژوا و مستأصل جامعه است. در صورتی که نقش اصلی یک نیروی مارکسیستی مبارزه طبقاتی برای به قدرت رساندن طبقه کارگر باید باشد. سوسیالیست های انقلابی همواره در کنار کارگران قرار گرفته و با توضیح صبورانه واقعیات ها و بدون

جار و جنجال و تحمیل خود و شخصیت ها و «لیدر» های قلبی کارگری؛ به تبلیغ آموزش های مارکسیستی و ضدسرمایه داری و تقویت رهبری خود کارگران مبادرت می کنند. حتی اگر کارگران امروز آماده نبوده و یا دچار اشتباه و لغزش سیاسی گردند. هدف اساسی مارکسیزم انقلابی پیشبرد مسایل طبقاتی همراه با سایر مطالبات محوری انتقالی، صنفی و دمکراتیک است. نقش کمونیست ها تنها افشا و اعمال فشار بر دولت سرمایه داری نیست؛ که تدارک برای سرنگونی قهرآمیز کل دولت سرمایه داری توسط نیروی پر قدرت کارگران و زحمتگشان است.

از این رو پیوستن به «حزب کمونیست کارگری» و تقویت آن اشتباه محض است. جوانان سوسیالیست انقلابی نباید فریب ظاهر چنین احزاب خرده بورژوایی را بخورند. اختناق چند دهه در ایران افراد، تجارب و آثار مارکسیستی و انقلابی را محو و نابود کرده است. امروز مجدداً وضعیت برای احیاء مارکسیزم انقلابی فراهم آمده؛ و در چنین وضعیتی نباید اجازه داد که گرایش های انحرافی زیر لوای «کمونیسم» و «کارگری» از آب گل آلود ماهی بگیرند. جوانان سوسیالیست انقلابی بایستی متکی بر نیروی خود و در اتحاد با کارگران پیشرو بنیاد حزب پیشتاز انقلابی را بریزند و به عوام فریبی های «حزب کمونیست کارگری» اعتماد نکنند.

آغاز مبارزه نظری سوسیالیست انقلابی با «حزب کمونیست کارگری» به دو دهه پیش بر می گردد. در این جزوه مقالات اصلی سوسیالیست های انقلابی در نقد نظریات انحرافی این حزب در اختیار جوانان سوسیالیست انقلابی قرار می گیرد تا با مطالعه آن حد اقل با انحرافات این گرایش انحرافی و ضدمارکسیستی آشنا گشته و نقد نظری با آن را ادامه دهند.

م. رازی

Razi@kargar.org

۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳